

رقیب اصلی ما در این مسیر ناامیدی و خستگی است

گفت و گو با مسئول واحد سیاسی سازمان معلمان ایران

سخن معلم/ سازمان معلمان ایران یکی از تشکل های معلمی است که رویکرد کنشگری خود را در سومین دهه از حیات خود همچنان با دوگانه صنفی و سیاسی تعریف می کند و بعبارتی برای پرواز در آسمان فعلی شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران داشتن دوبرال صنف و سیاست را ضروری دانسته و تفکیک این دو را تا اطلاع ثانوی غیرممکن می داند.

به همین منظور واحد سیاسی متولی تمرکز بر کنشگری سیاسی می باشد که وظیفه دارد اوضاع و تحولات سیاسی را رصد نموده و کنشگری لازم در مقاطع و شرایط مختلف را داشته باشد، لذا با توجه به تحولات سال های اخیر و اتفاقات ماه ها و هفته های اخیر بویژه در جبهه اصلاحات گفت و گویی انجام دادیم با اکبر ظریفی مسئول واحد سیاسی سازمان معلمان ایران تا با تحلیل این تشکل معلمی در شرایط فعلی بیشتر آشنا شویم.

*جناب آقای ظریفی با سپاس از شما بخاطر پذیرش دعوت سخن معلم برای گفت و گو، نخست بفرمائید بطور کلی سازمان معلمان کنشگری خود را در سومین دهه از عمر خود با چه رویکرد و چشم اندازی پی می گیرد؟

برنامه سازمان معلمان ایران برای آینده روی دو بخش باید ایستاده باشد نخست اینکه همکاران خود را برای ارزش نقش آفرینی در آوردگاه هر چه بیشتر روشن سازد و دیگر اینکه کشور سالاران و کارگزاران را تلنگر بزنند که ویژگی این ریخت زیست و ارزشمند بودن نقش آفرینی آموزگاران و دبیران در ساخت کشور را درست و همه گیر دریافت کنند.

*یعنی همچنان این تشکل بر ترغیب فرهنگیان و اعضای خود بر ایفای نقش مدنی و عمومی خود فراتر از انجام وظایف حرفه ای بعنوان معلم تاکید می ورزد و تلاش دارد تا معلمان در جایگاه شهروند کنشگری مدنی داشته باشند؟

بله درست است و به نظر ما همه تشکل ها صنفی و مدنی و سیاسی

باید چنین نقشی داشته باشند و برای تقویت مدنیت و پاسداری از ارزش های مدنی از جمله آزادی و دموکراسی و عدالت برای تحقق توسعه همه جانبه و متوازن از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و در این مسیر ناامید هم نشوند چرا که ما با انبوهی از کارها برای رسیدن به پایه ای از بهره مندی در این دو بخش روبرو هستیم و برای هر دوی این بخش ها می بایست برنامه داشته باشیم.

*** برای قرار گرفتن در این ریل کنشگری سازمان معلمان چه کرده است؟**

در کنگره 1400 برنامه راهبردی ده ساله سازمان معلمان ایران به تصویب رسید و در دستور کار واحدها و اعضا قرار گرفت و همکاران ما در تلاش هستند که برابر با آن گام های بایسته را بردارند که واحد سیاسی نیز در کنار سایر واحدها در این راستا فعالیت هایی داشته و خواهد داشت البته نتایج این فعالیت ها به خواست کارگزاران ما در برابر ما و چگونگی کمک و برخورد آنان با ما بستگی ویژه دارد.

*** شما وقتی در واحد سیاسی سخن از کنشگری می رانید بخشی متوجه جامعه و بخشی هم متوجه حاکمیت و دولت است و بعنوان یک تشکل معلمی در مجموعه دولت هم مخاطب اصلی شما وزیر آموزش و پرورش بعنوان یکی از اعضای دولت است، در این راستا رویکرد و نظر شما چیست؟**

تاکید ما و یا مطالبه ما این است که کارگزاران دست بالای بخش آموزش و پرورش می بایست از نیروهایی باشند که نخست در این سپهر زیسته باشند و دیگر اینکه دانش کارشناسی هر بخشی را که در آن به کار گمارده می شوند داشته باشند و دیگر اینکه نخبه در پیرامون نقش خود باشند. اگر اینگونه نباشد، برنامه هایی از آنان سر می زند که ناآشنایی شان، نادرستی ها را به بدنه وارد می کند و هر آنچه دیگران رشته اند پنبه خواهد شد. برنامه ریزی کارگزاران بالایی، می بایست از بدنه کارشناسی به دست آمده باشد و هماهنگی بایسته بدنه با بالادست، بهره درست را همراه خواهد داشت.

*** بعبارتی شما تاکید بر توجه به سرمایه انسانی و اندیشه ای فرهنگیان دارید درسته؟**

بله دقیقا چرا که ما آموزگاران و دبیران را، بخشی از اندیشه ورزان کشور می بینیم. این بخش از مردم، روشنگران و راهنماهای همگان هستند و با همان پیشینه در پیوندی همه گیر می باشند. چگونگی زیست این بخش، امروز بسیار نگران کننده و دلهره آور است و جا دارد که از این ریخت هراسناک باشیم.

* بی توجهی به این مهم چه تبعاتی دارد؟

بی شک به بازی نگرفتن اندیشه ورزان پای کار در ساخت های اندیشه ای، دهن کجی به دانش و توان به دست آمده از زیست هوشمندانه آنان است. اگر با آنان نمایی برخورد کنیم، مانند دیگر بخش ها نیستند که به سادگی از کنار این ریخت بگذرند، واکنش آنان ویرانی های آرام را به همراه دارد و بستر فرهنگ را فرا می گیرد.

* تشکل شما در این راستا تا کنون چه کرده است؟

سازمان معلمان ایران در راستای روشنگری همگانی در کشور و به ویژه در میان این بخش تلاش کرده است تا این ارزشمندی را برای کشور سالاران بنمایاند. دشواری های درگیر این بخش را هر روز با آرامش و کارشناسانه گوشزد کرده، و به اندازه توان خود راه کار های برون رفت را نیز نشان داده است. همکاران ما در سراسر کشور با این سختی ها دست و پنجه نرم کرده اند و می کنند و هر روز به امید گشایش رو به فردا دارند.

* واکنش ها به این کنشگری ها چگونه بوده است یا راهگشا و امید بخش بوده است ؟

متأسفانه واکنش کارگزاران ما به این ریخت از زیست و خواسته های هماهنگ با دشواری ها، چندان پذیرفتنی نیست. برخورد های چکشی با خواست های پذیرفتنی، نگاه آنان را به آینده همراه با ناراحتی کرده و امید را در میان آنان دارد از بین می برد و این همان ریخت دلهره آور و هراسناکی است که یادآور شدیم.

* اما گویا شما و همکارانتان در این مسیر ناامید و خسته نشده اید در ادامه این راه چه اولویت هایی دارید؟

بله درسته ما رقیب اصلی خودمان را در این مسیر ناامیدی و خستگی میدانیم لذا در درجه نخست با ناامیدی و خستگی مبارزه می کنیم و آگاه هستیم که دشواری های پیش روی همکاران در سراسر کشور وجود دارد که می بایست برای گذار از آن تمام توان و انگیزه مان را بکار بگیریم. مثلاً پی گیری آزادی همکاران در بند و زدودن پرونده های بیهوده ای که پیرامون خواست های زیستی آنان در سراسر کشور ساخته شده است یکی از اولویت های ماست و از سویی نیز تلاش برای پذیرا کردن خواست بازکردن سپهر سیاسی کشور در راستای پذیرش اندیشه های دیگر برای ساخت و نقش آفرینی همگانی را در دستور کار

خود داریم که نقش آفرینی موثرتر از قبل ما در جبهه اصلاحات به همین منظور صورت می گیرد و حضور مستمر رسانه ای ما نیز گواه جامعه محوری شکل ما است که از بدو تاسیس سازمان این رویکرد یک استراتژی کنشگری دوستان ما بوده است.